

بسم الله الرحمن الرحيم

(مقتبسات از خطبه جمعه ۰۶ ژوئیه ۲۰۱۸ م)

حضرت سدی بن قیس رضی الله تعالی عنه

حضرت امیر المومنین سیدنا میرزا مسرور احمد ایده الله تعالی بنصره العزیز خلیفه ی پنجم
حضرت مسیح موعود علیه السلام می فرمایند:

ایشان فرمودند: حضرت سدی بن قیس، بعضی نام پدر بزرگش را عبسه و بعضی دیگر عائشه نیز نوشته اند. در هر صورت وی صحابی انصاری بودند و در غزوه بدر و غزوه احد شرکت کردند. نام مادرش خدیجه دختر عمر بن یزید و از قبیله ی بنو جداره است. وی پسری به نام عبد الله داشت که در کودکی درگذشت و غیر از او، وی هیچ فرزند دیگری نداشت. حضرت عباده بن قیس برادرش بود. برادر دیگر حضرت سدی، حضرت زید بن قیس بودند و برادر سوم وی حضرت عمیس بن قتاده است که به هنگام غزوه احد درگذشت..... در جنگ بدر به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شرکت کرده بودند و در جنگ احد به شهادت نایل آمدند. ایشان نیز هیچ فرزندی نداشتند و یک روایت است که زمانی که وی در جنگ احد شهید شدند، خنساء دختر خدام، در عقدش بود.

حضرت ملیل بن غدره رضی الله تعالی عنه

صحابی دیگر حضرت ملیل بن غدره بودند. درباره اسمش نیز روایات مختلف یافت می شود. ابن اسحاق نامش ملیل بن غدره عبدالکریم بن خالد بن عجله بیان کرده اند در حالی که عمر و قلبی ملیل بن غدره بن خالد بن عجله تعریف کرده اند و عبد الکریم از میان افتاده است. ایشان نیز از قبیله خزرج و از شاخه بنو عدلان بودند. ایشان در غزوه بدر و غزوه احد شرکت نمودند. فرزندان، زید و حبیبه بودند و مادر اینها، ام زید دختر غزله بن مالک بود. نسل حضرت ملیل ادامه پیدا نکرد. ایشان را خالد بن عدلان نیز می گفتند. در روایتی آمده است که ایشان در غزوه بدر و در تمام غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شرکت کرده بودند.

حضرت خارجه بن حمير اشجعی رضی الله تعالی عنه

سپس صحابی دیگر حضرت خارجه بن حمير اشجعی بودند. در تاریخ درباره نامش نیز اختلاف وجود دارد. ابن اسحاق نام ایشان، خارجه بن حمير بیان کرده است و موسی بن عقبه نامش، حارثه بن حمير ذکر کرده است. درباره نام پدرش نیز اختلاف وجود دارد. بعضی حمير نوشته اند و بعضی دیگر جميرا و حمير نوشته اند. به هر حال، به این نکته همه اتفاق نظر دارند که ایشان از قبیله اشجع بودند و با قبیله بنو خزرج هم پیمان بودند. نام برادرش عبد الله بن حمير بود که در غزوه احد همراه وی شرکت کرده بودند.

حضر عبادہ بن قیس رضی الله تعالی عنه

صحابی دیگر حضرت عبادہ بن قیس است. ایشان نیز در ۸ هجری وفات یافتند. درباره نام وی نیز اختلاف وجود دارد. نامش عبید بن قیس بن عشر هم آمده است و همین طور نام پدر بزرگش عطصه هم بیان شده است. حضرت عباد عموی حضرت ابو درده بود. حضرت عباد در غزوه بدر و احد و خندق و خیبر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بودند و در صلح حدیبیه نیز شرکت کرده بودند و در جنگ موته به شهادت رسیدند. صحابی دیگر حضرت ابو الزیاح بن ثابت بن نعمان است که در سال ۷ هجری درگذشت. در روایتی نامش، عمیر بن ثابت بن نعمان بن امیه بن امرء القیس و در روایت دیگر نامش، نعمان بن ثابت بن عمیر ذکر شده است. ایشان با لقب خود معروف بودند که ابو روعه است. ایشان در غزوه بدر، احد، خندق و حدیبیه شرکت نمودند. ایشان در غزوه خیبر در هفتم هجری مقام شهادت را بدست آوردند. گفته می شود که یک فرد یهودی بر سرش زد و بر اثر آن، سرش بریده شد و به شهادت نایل آمدند.

حضرت ابو کبشه سلیم رضی الله تعالی عنه

صحابی دیگر حضرت ابو کبشه سلیم هستند. کنیه شان ابو کبشه است..... طبق برخی مورخان نامش، سلمه بود. ایشان غلامی فارسی بودند که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم ایشان را آزاد کرده بودند. ایشان صحابی بدری بودند که در زمین اوس تولد یافتند. درباره وطن و

نسبش، روایات مختلفی وجود دارد. بعضی روایات دال بر فارسی بودنش است، اما برخی دیگر حاکی از این است که ایشان مکی بودند. ایشان در نزدیک زمان دعوت اسلام به اسلام مشرف گشتند و به هنگام اجازه هجرت، به مدینه مهاجرت کردند و علاوه بر غزوه بدر، در تمام غزوات دیگر در کنار حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بودند. هنگامی که حضرت ابو کبشه به مدینه هجرت کردند، ایشان نزد حضرت کلثوم بن حرام ماندند. و طبق روایتی دیگر ایشان نزد حضرت سعد بن خيثمه اقامت کردند. ایشان در اولین روز خلافت حضرت عمر رضی الله تعالی عنه، از این جهان فانی کوچ کردند و آن روز ۲۲ جمادی الثانی ۱۳ هجری بود.

حضرت مجذّر بن زیاد رضی الله تعالی عنه

حضرت مجذّر بن زیاد در غزوه احد شهید شدند. لقب شان مجذّر بود که معنی آن، چاق است. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میان حضرت مجذّر و عاقل پیوند برادری برقرار نموده بودند. در روایتی دیگر آمده است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بین حضرت مجذّر و حضرت عکاشه.... این پیوند برادری ایجاد کرده بودند. حضرت مجذّر در غزوه بدر و احد شرکت نمودند. ابن اسحاق ذکر کرده است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از کشتن ابو بختری منع کرده بودند چرا که وی در مکه مردم را منع کرده بود که به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آسیبی برسانند به این دلیل حضرت فرمودند که وی را نباید بکشید. او خود نیز به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم هیچ گزندی نمی رساند و از افرادی بود که علیه آن پیمان بلند شده بودند که قریش برخلاف بنو هاشم و بنی مطلب بسته بودند. حضرت مجذّر با ابو بختری ملاقات کردند و گفتند که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از کشتن تو منع کرده اند. به همراه ابو بختری، یک نفر دیگر نیز بود که با او از مکه بیرون آمده بود که نامش جنازه بن ملیحه بود. نام ابو بختری، عاص بود. وی پرسید که درباره رفیق من چه دستوری داده شده است؟ حضرت مجذّر فرمودند: به خدا سوگند، ما رفیق تو را هرگز زنده نخواهیم گذاشت. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فقط برای تو دستور فرموده اند. وی گفت: پس اگر وی را بکشید، من هم همراه او می میرم. من هرگز نمی توانم تحمل کنم که زنان مکه اینگونه

دربارهٔ من حرف بزنند که من تنها به خاطر حفظ جان خود، دوستم را رها کردم. سپس هر دو برای نبرد آماده شدند و در حین جنگ حضرت مجزر وی را کشتند. بعد از آن حضرت مجزر در خدمت حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم حاضر گشتند و عرض کردند: سوگند به ذاتی که شما را مبعوث کرده است، من بسیار تلاش کردم که وی را قانع کنم که اسیر شود و وی را نزدتان بیاورم اما وی راضی نشد و سرانجام با من جنگید و من وی را کشتم. اولاد حضرت مجزر در مدینه و بغداد زندگی می کردند. از ابی وجزه مروی است که سه نفر: مجزر بن زیاد، نعمان بن مالک و عبده بن حساس از شهدای احد بودند که در یک قبر دفن شدند.

حضرت خباب بن منذر رضی الله تعالی عنه

صحابی دیگر حضرت خباب بن منذر است که در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله تعالی عنه در گذشته بودند. حضرت خباب در غزوه بدر، احد، خندق و تمام غزوات دیگر در کنار حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم ثابت قدم ماندند و بر مرگ با آن حضرت بیعت کردند. حضرت میرزا بشیر احمد هم در کتاب خود سیرت خاتم النبیین درباره اش نوشته اند که در جایی که لشکر اسلامی اتراق کرده بود، جای مناسبی نبود لذا حضرت خباب بن منذر از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم پرسیدند که آیا از روی وحی و راهنمای خداوند اینجا را انتخاب کرده اید یا تنها از روی تدبیر جنگی اختیار نموده اید؟ حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: در این راستا هیچ دستور خدا در کار نیست، اگر می خواهی مشورتی بدهی، بفرما، آنگاه حضرت خباب بن منذر عرض کردند: به نظرم این جای مناسبی نیست. بهتر است که چشمه ای را که به قریش نزدیکتر است به تصرف خود در بیاوریم. من آن چشمه را بلدم، آبش هم گوارا است و معمولاً آب فراوان دارد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم این مشورت را پسندیدند و چون قریش آن طرف تپه اتراق کرده بودند و چشمه خالی بود لذا مسلمانان پیشقدم شدند و جای نزد چشمه را تحت تصرف خود در آوردند... حضرت ابن عباس تعریف می کنند که حضرت جبرئیل بر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نازل شدند و فرمودند که نظر درست همین است که حضرت خباب داده اند. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای خباب، تو مشورت

بسیار خوبی داده ای زمانی که حضرت خباب بن منذر در غزوه بدر شرکت نمودند، ۳۳ ساله بودند.

در ارتباط با خطبه گذشته، می خواهم توضیحی بدهم که درباره حضرت عمار عنوان کرده بودم که عمرو بن العاص به هنگام وفاتش بسیار ابراز تاسف و نگرانی کرده بودند که ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شنیده بودند که عمار بن یاسر را گروه باغی و سرکش خواهد کشت و حضرت عمرو بن العاص به این دلیل نگران بودند که وی طرفدار امیر معاویه بود. کسانی که حضرت عمار را شهید کرده بودند، افرادی از سپاه حضرت امیر معاویه بودند. پس چرا نامشان با عزت و احترام گرفته می شود و حضرت امیر معاویه نیز مقام و مرتبتی دارد. در پاسخ به این سوال باید بگوییم که اولاً مقام و مرتبتی که صحابه دارند، این کار ما نیست که قضاوت بکنیم که این بخشیده می شود و آن بخشیده نمی شود. هر اشتباه یا سوء تفاهمی که پیش آمد و این واقعه تاسفبار که رویداد، امر آن با خداست و تبعات آن را مسلمین تحمل کردند. از این قبیل سوالها در ذهن آن افرادی ایجاد می شد که در آن شرایط و زمان زندگی می کردند و آنان برای رفع نگرانی و آسفتگی خویش حتما دعا هم می کردند و حتما از خداوند متعال راهنمایی هم می طلبیدند و خداوند متعال هم راهنمایی شان می کرد. در روایتی آمده است که در خواب دید که باغی سرسبز است که حضرت عمار بن یاسر در آن اند و چند خیمه دیگر نیز در آن وجود داشت. میسره سوال کرد که اینان که باهم جنگیده بودند. پاسخ داده شد که اینان پروردگار خود را واسع المغفرت یافته اند برای این همه اینجا جمع شده اند. پس این امور به عهده خداست. کار ما نیست که این اختلافات و نزاع ها را در دل خویش جای بدهیم. به دلیل جای دادن این اختلافات در دلها، بین مسلمانان اختلاف و تفرقه بسیار افزوده شده است و نتیجه آن را امروزه داریم مشاهده می کنیم. این امور برای ما مایه درس است که به جای اینکه این چیزها را در دل خویش جای بدهیم، به وحدت توجه کنیم و برآن استوار شویم.....خداوند متعال به ما توفیق دهد که همواره متحد باشیم و به وحدت استوار بمانیم و در نیکها پیشرفت کنیم.